



یادداشت

با تغییر یک یا چند وزیر هیچ چیز از اساس تغییر نمی کند

صادق کار



حجت الله عبدالملکی (وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی) سر انجام بعد از شایعاتی که از مدتی پیش در مورد برکناری اش از وزارت مطرح بود استعفا داد و استعفایش بدون چک و چانه از طرف رئیسی پذیرفته شد.

با اینکه حجت الله عبدالملکی در هنگام معرفی برای وزارت (کار، تعاون و رفاه اجتماعی) در مجلس فرمایشی رای نسبتا بالایی آورده بود با این وجود از مدتها پیش عده‌ای از نمایندگان بارها خواستار استیضاح و برکنار وی از این سمت شده بودند.

همین موضوع باعث شده است که عده‌ی زیاد بگویند، او را وادار به استعفا کرده‌اند و در واقع چاره‌ای جزء استعفا برای وی باقی نگذاشته بودند. فشار برای استعفا به وی وقتی شدید شد که لابی‌های قدرتمند بخش خصوصی در حکومت که نسبت به افزایش دستمزد سالانه اعتراض داشتند و با آن به مخالفت برخاستند و عملا از اجرای آن شروع به طفره رفتن کردند.

افزایش ۵۷،۴ درصدی حداقل دستمزد کارگران و بازنشستگان و ۳۸ درصد به سایر سطوح مزدی با اینکه فاصله عمیق بین دستمزدها و هزینه‌های حداقلی زندگی را پر نمی کرد ولی از نظر کارفرمایان رانتی که به کارگر ارزان و مفت و سودهای نجومی عادت کرده‌اند، رقم غیر قابل قبولی بود.

دولت و مجلس هم هیچکدام با این مقدار افزایش دستمزد موافقت نداشتند. کما اینکه در بودجه سالانه دولت که در مجلس با ایجاد تغییرات زیادی در جهت فربه کردن نهادهای سرکوبگر نظامی و امنیتی و نهادهای ایدولوژیک حکومت داده شد، ۱۰ درصد افزایش دستمزد و حقوق برای کارکنان شاغل و بازنشسته دولت منظور نشده بود. یعنی دولت و مجلس و سرمایه داران انتظار داشتند وزیر کار با بیشتر از ۱۰ درصد افزایش دستمزد در شورای عالی کار موافقت نمی کرد.



در مورد عبدالملکی حرف و حدیث های زیادی گفته شده که خیلی های شان هم دور از واقعیت نیست. ناکامی وی در ایجاد اشتغال بر اساس ذهنیتی که در خصوص آن داشت و ادعای کاهش بیکاری از طریق توسعه کار خانگی با اختصاص سرمایه اندک، از جمله نکاتی است که مخالفان وی آنها را نشانه ضعف و بی تجربه‌ی وی در مقام وزارت می دانند. اینها واقعیت هایی هستند که نمی توان منکر شان شد. اما این ضعفها تنها عامل کنار گذاشتن وزیر کار دولت رئیسی از کابینه نیست. چرا که اکثر وزرا اگر ناکارآمدتر از عبدالملکی نباشند توانا تر هم نیستند.

اما چرا هیچکدام آنان را هنوز کنار نگذاشته‌اند؟ افزایش دستمزد ۵۷٪، ۷٪ درصدی اما بر خلاف گفته محبوب و خانه کارگری ها خواست قلبی عبدالملکی نبود. چرا که وزیر کار توافق خودش با مقدار افزایش دستمزد را منوط به توافق نمایندگان تشکلهای وابسته به حکومت و کارفرمایان در شورای عالی کار کرده بود. این پاداشی بود که عبدالملکی در ازای حمایت شوراهای اسلامی کار از رئیسی و شخص او هنگام بررسی صلاحیت اش در مجلس کرده بودند.

در واقع مصوبه دستمزدی شورای عالی کار نتیجه توافق نمایندگان سازمانهای کارفرمایی با شوراهای اسلامی در شرایطی بود که اعتراضات با تقاضای افزایش دستمزد سراسر کشور را فرا گرفته بود و همه طرفهای موجود در شورای عالی کار را هراسناک کرده بود. پذیرش و امضا کردن مصوبه مزدی از طرف نمایندگان کارفرمایان هم تاکتیکی بود. زیرا کارفرمایان بر حسب عادت راه های زیادی برای دبه درآوردن داشتند و دولت با در نظر گرفتن ۱۰ درصد افزایش حقوق کارکنان خود راه فرار آنان را باز گذاشته بود. کما اینکه چنین هم شد. برای وزیر کار هم امکاناتی برای تغییر موضع در شرایط مناسبتر موجود بود و نتیجتاً او در نهایت با اعمال نیمی از مصوبه شورای عالی کار که افزایش حقوق بازنشستگان حداقل بگیر بود موافقت کرد و در مورد بقیه همان ۱۰ درصد مد نظر دولت و مجلس را پذیرفت.

دلیل همین نیم گام عقب نشینی نیز بخاطر موج اعتراضات بازنشستگان و تلاشی برای کاستن از فشار ناشی از اعتراضات بود.

با این وصف اما فارغ از اینکه چه علت و عللی در پس "استعفای" عبدالملکی نهفته است، با رفتن و آمدن یک یا چند وزیر در فاسدترین، ناکارآمدترین و دست راستی ترین دولتی که طی ۴۳ سال گذشته با حمایت کامل علی خامنه‌ای تشکیل شده است هیچ چیز به نفع کارگران و زحمتکشان تغییر نخواهد کرد. چنان که تا کنون هیچ وزیر کاری که بهتر از سلف خود باشد در هیچ یک از دولتهای پیشین به وزارت نرسیده است. مشکل صرفاً میزان توانایی و ناتوانی وزیر نیست، به سیستم و برنامه کار دولتها در حکومت مطلقه و استبداد علی خامنه‌ای و شرکا بر می گردد.

علی ربیعی وزیر کار دولت روحانی هیچ یک از ضعفهای عبدالملکی را نداشت مدعی داشتن سابقه و تبار کارگری هم بود با این وصف او در از بین بردن حقوق کارگر گوی سبقت را از وزاری گذشته ربود و در این راه از توانایی و تجربه ضد کارگری و امنیتی اش نهایت بهره را برد. فرق او با عبدالملکی در نحوه بی حقوق سازی و سرکوب مزد و حقوق و تشکلهای مستقل بود. به عبارتی وجودش زیانبارتر از عبدالملکی بود. حالا هم تردید نباید داشت کسی را که بجای وزیر مستعفی بر مسند وزارت تعاون، کار و رفاه خواهند نشاند نه لزوماً از لحاظ توان و تخصص بلکه از لحاظ توانایی در سرکوب با مهارت تر خواهد بود.

برنامه های اقتصادی- سیاسی حکومت به چنان وزیری نیاز دارد که بتواند مجری قابلی برای هموار کردن سیاست های "آزاد سازی" و شوک درمانی حکومت باشد. به دیگر سخن باید پذیرفت که شخصی هم مانند علی ربیعی وابسته به جریان موسوم به اعتدالیون هم پیمان اصلاح طلبان حکومتی مجری قابلتری از وزیر کار مستعفی دولت محافظه کاران افراطی برای این سیاست بود.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت موظف است به بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!



برنامه های تضمین اشتغال: بررسی تئوریهها و تجربیات عملی بخش هشتم

فاضل کیوب



مارس ۲۰۱۲، مانتهاون سفلا: مشاغل را اشتغال

برآوردهای انجام شده در ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا نشان داده اند که هزینه تأمین مالی برنامه تضمین اشتغال بین حدود 1 درصد از تولید ناخالص داخلی (در ایالات متحده) تا حدود 3.5 درصد تولید ناخالص داخلی (در استرالیا) متغیر بوده است. با این حال، این تخمینها هزینه واقعی تأمین مالی برنامه را بیش از مقدار واقعی نشان می دهند، زیرا اثرات مضاعف ایجاد شده در اثر درآمد حاصله برای کارگران برنامه را به حساب نمی آورند. به علاوه طرفداران برنامه استدلال می کنند که این برنامه هزینه خود را از طریق کاهش سایر هزینه های اجتماعی مرتبط...

مدلهای معاصر تضمین اشتغال – ادامه

با تکیه بر تئوری مالی کارکردی آبا لرنر (به بخش 5 نگاه کنید)، طرفداران برنامه های تضمین اشتغال استدلال می کنند که دولت همیشه توانایی مالی برای پرداخت هزینه این برنامه را دارد. به زعم آنان "بیکاری فقط به دلیل ناکافی بودن بودجه تخصیص یافته دولتی نسبت به پس اندازهای خصوصی ایجاد می شود..." و تکمیل می کنند: "برای حفظ اشتغال کامل مهم نیست کسری بودجه دولت چقدر باشد؛



بدهی ملی، به همچنین! به این دلیل ساده که منطق مالی دولت با منطق یک خانوار یا یک شرکت خصوصی کاملاً متفاوت است. حامیان تضمین اشتغال نشان می دهند که مالیاتها نمی توانند هزینه های دولت را تأمین مالی کنند و چنین هم نمی کنند؛ زیرا در سطح کل، این تنها خود دولت است که می تواند مولد "ناب" پول بدون پشتوانه (پول فیات) باشد. پس، نقطه شروع هزینه های دولت است. وقتی که دولت پول بی پشتوانه ای را صرف خرید کالاها و خدمات می کند (خواه با چاپ آن، خواه با عرضه آن)، در واقع مقدار پول لازم را در اختیار بخش خصوصی قرار می دهد تا این بخش بتواند بدهیهای مالیاتی اش را بپردازد، پس انداز کند و تراز معاملات اش را تأمین کند. "دولت می تواند مادام که مقدار پول بدون پشتوانه و بدون بهره، و اوراق قرضه سودآور مورد خواست مردم را فراهم می کند، با خیال راحت کسری بودجه داشته باشد".

منتقدان تضمین اشتغال اغلب ادعا می کنند که این برنامه قدرت چانه زنی نیروی کار را افزایش می دهد، زیرا خطر بیکاری را از بین می برد و در نتیجه مارپیچ "تورم - دستمزد" را حدت می بخشد. حامیان برنامه در پاسخ به این انتقاد استدلال می کنند که یک گروه ماهر از کارگران برنامه، که قابل استخدام [در بخش خصوصی] باشند، نسبت به ارتش ذخیره سنتی بیکاران "تهدید" بزرگتری برای کارمندان بخش خصوصی محسوب می شوند. بنابراین، چرا باید تصور کنیم که تورم عنات گسیخته زیر تأثیر برنامه تضمین اشتغال شدت گیرد. علاوه بر این، با توجه به هزینه پائین اجرای برنامه، این مقدار اضافی هزینه های دولت به دشواری ممکن است تورم را باشد. در مقابل، منتقدان برنامه استدلال می کنند که تورم نهایتاً به این بستگی دارد که آیا کارگران برنامه محصولاتی واقعی، که بتوان آنها را "مهروموم کرد"، تولید می کنند یا خیر.

برآوردهای انجام شده در ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا نشان داده اند که هزینه تأمین مالی برنامه تضمین اشتغال بین حدود 1 درصد از تولید ناخالص داخلی (در ایالات متحده) تا حدود 3.5 درصد تولید ناخالص داخلی (در استرالیا) متغیر بوده است. با این حال، این تخمینها هزینه واقعی تأمین مالی برنامه را بیش از مقدار واقعی نشان می دهند، زیرا اثرات مضاعف ایجاد شده در اثر درآمد حاصله برای کارگران برنامه را به حساب نمی آورند. به علاوه طرفداران برنامه استدلال می کنند که این برنامه هزینه خود را از طریق کاهش سایر هزینه های اجتماعی مرتبط با بیکاری (حق بیکاری، کوپنهای غذا، جنایت، پلیس و دادگاه ها و غیره) جبران خواهد کرد.

وندل گوردون نتیجه می گیرد:

فراتر از این، یک دلیل مهم وجود دارد که به موجب آن برنامه تضمین کار هیچ هزینه ای نخواهد داشت. کالاها و خدمات تولید شده توسط نیروی کاری که در برنامه تضمین اشتغال ذینفع است، تولید ناخالص ملی و رفاه ملی را افزایش خواهند داد، برابر دستمزدی که به نیروی کار مورد نظر پرداخته می شود و مبتنی بر همان اندازه اعتمادی که به هر نیروی کار در «بازار آزاد» روا می شود. کارگر دستمزد یا حقوق دریافتی اش را «به دست می آورد». به علاوه و مهمتر از آن، کارگر تحت پوشش برنامه تضمین اشتغال، شغلی دارد که می تواند و باید مثل هر شهروند دیگری به آن افتخار کند.

از مبارزه کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکاهاى مستقل حمایت کنیم!

موانع تشکیل و فعالیت سندیکاها و تشکلهای کارگری باید از میان برداشته شوند!



تشکل قانونی "وسیله ای برای نفی و سرکوب تشکلهای واقعی

صادق



خبر گزارى ایلنا در گزارشى که ۲۷ خرداد با عنوان (احیای توان یک تشکل قانونی / طرحی که بعد از ۷ سال هنوز به نتیجه نرسیده است) منتشر کرد ظاهراً در پی کشف علت ناتوانی تشکلهای کارگری حکومتی که این خبر گزارى نام "تشکل قانونی" را بر آنان نهاده پرداخته است. گزارشگر خبرگزارى ایلنا برای برسی موضوع یکطرفه به قاضی رفته و به اشخاصی مراجعه کرده که از رهبران تشکلهای وابسته به قدرت هستند. دلیل اش هم روشن است مدیریت این خبر گزارى به هیچ وجه مایل نیست چنین موضوع مهمی بطور واقعی و همه جانبه با شرکت نمایندگان تشکلهای مستقل به بحث گذاشته شود زیرا که نمایندگان تشکلهای مستقل اکثراً یا در زندان و زیر بازجویی همراه با شکنجه و فشار قرار دارند یا تحت پیگرد قرار دارند. مدعیان قلابی حق تشکل در این گزارش کوچکترین حرفی که اندکی بوی حمایت از رهبران تشکلهای مستقل زندانی بدهد نمی زندند و انگار نه انگار که ده ها تن از آنان در زندان هستند و در یکی دو روز گذشته ده ها نفر از اعضای تشکلهای صنفی معلمان بازداشت و زندانی شده اند.

همه تلاشها در این گزارش برای آراستن چهره و عملکرد زشت تشکلهای حکومتی و دفاع از قانونی بودن آنان و غیر قانونی بودن تشکلهای مستقل است. هر جا هم صحبت از فشار به تشکلهای کارگری می شود منظور فشار به همان تشکلهای قانونی است. زمان انتشار این گزارش هم کمی بو دار است، زیرا همزمان است با اجلاس سالانه سازمان بین المللی کار و اعزام همین نمایندگان تشکلهای "قانونی" به این اجلاس و فرستادن نمایندگان تشکلهای واقعی به زندان و اعتراضی که در جمعه گذشته توسط ۶ اتحادیه فرانسوی و سوئیسی با درخواست آزادی رهبران سندیکایی از زندان و فشار به دولت ایران برای رسمیت شناختن تشکل قانونی عنوانی است حق تشکل بر مبنای مقاوله نامه های این سازمان بین المللی کار انجام گرفت. که اخیراً برای تشکلهای حکومتی همچون شوراهای اسلامی بکار می برند تا بوسیله آن بر وابستگی، ناکارآمدی و سرسپردگی این تشکلهای سرپوش بگذارند. تا قبل از گسترش اعتراضات کارگری این تشکلهای را با همان عناوینی که از ابتدا روی آنها نهاده بودند، می خواندند. شورای اسلامی، انجمن اسلامی، انجمن صنفی.... در محیط های کار نیز همین تشکلهای بودند که به رسمیت شناخته می شدند و اوضاع را زیر نظر داشتند و کنترل می کردند. در آن سالها هیچ کدام از سرکردگان تشکلهای نامبرده صحبتی از موانع قانونی ناظر بر فعالیت تشکلهای نمی کردند. همه چیز از نظر آنان ایده آل و آنطور بود که می باید باشد. به بالا دستی های این تشکلهای نیز در دولت و نهادهای حکومتی مسئولیت های بزرگ و کوچکی داده بودند. یکی



را چند دوره وزیر کار کردند، دیگری را نماینده مجلس و به یکی دیگر در سازمان امنیت یک پست کلیدی مدیریتی داده بودند. عده‌ای را نیز در وزارتخانه کار، سازمان تامین اجتماعی و اتحادیه های مرکزی تعاونی های مسکن و مصرف پست و مقام های درجه دوم و سوم داده بودند.

تا دولت دوم خاتمی هر دولتی که آمده بود و رفته بود این روال را دست نخورده حفظ کرده بود. در دولت دوم خاتمی با کنار گذاشته شدن حسین کمالی از وزارت کار و زمزمه به رسمیت شناختن سندیکاها و آمدن نمایندگان سازمان بین المللی کار به ایران برای بررسی موانع قانونی اجرای مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ و تشکیل اتحادیه های کارگری خانه کارگری ها و شوراهای اسلامی زیر مجموعه آن که بقای خود را در معرض تهدید می دیدند، با تغییرات پیشنهادی سازمان بین المللی کار برای رفع موانع قانونی فعالیت اتحادیه های کارگری و با هئیت موسسان سندیکا های کارگری که مترصد فرصت برای احیای سندیکاها سرکوب شده بود به مخالفت و تهدید و حتی حمله فیزیکی به فعالین سندیکایی متوسل شدند.

همین جماعت اما وقتی دیدند کارگران چه حمایتی از چند سندیکا و تشکل مستقل و مبارز نو پا می کنند و بار دیگر بقای خود را در خطر دیدند سعی کردند تقصیر ناکارآمدی و سرسپردگی خود را به نقص قانون کار و شوراهای اسلامی نسبت دهند بلکه بتوانند بقای خود را حفظ کنند. بله این که قانون کار دارای نقایص بسیاری است و قانون تشکیل شوراهای اسلامی قانونی بکلی ارتجاعی و ضد کارگری و نافی حق تشکل و مقوله نامه های سازمان بین المللی کار است صحیح است. اما این تشکلهای سالهای طولانی از قانون شوراهای اسلامی حمایت و آن را اجرا و با اصلاح آن مخالفت کرده‌اند.

روسای کانون های شوراهای اسلامی کار مدتی است که پرچم اصلاح همان قانونی را بدست گرفته‌اند که نمایندگان سازمان بین المللی کار دو دهه پیش پیشنهاد کرده بودند و این جماعت به شدت به مخالفت با آن برخاسته بودند! منتها با این تفاوت که نمایندگان مذکور می خواستند چنان اصلاحاتی در قانون کار و قانون شوراهای اسلامی به عمل آید که موانع فعالیت سندیکاها را بردارد و این جماعت می خواهند طوری قانون اصلاح شود که هم بقای آنان را از لحاظ حقوقی حفظ کند و هم مانع حقوقی بر سر راه فعالیت سندیکاها را نگه دارد. یعنی خر و خرما را آقایان با هم می خواهند.

این در حالی است که همان نمایندگان سازمان بین المللی کار از اساس شوراهای اسلامی را به عنوان تشکل کارگری رد کرده و حاضر به تأیید آنها نشده‌اند. حال این آقایان مدتی است که برای اصلاح مورد نظر خود دست به دامن مجلس شده‌اند ولی مجلس هم از آنجا که اساسا بخاطر ماهیت محافظه کارانه و استبدادی اش حاضر به هیچ تغییری در قانون ارتجاعی شوراهای اسلامی نیست، از در دستور قرار دادن پیشنهادات اصلاحی روسای شوراهای اسلامی کار امتناع می کند. حال اینکه قانون شوراهای اسلامی کار اگر همانطور که مطلوب نظر این آقایان بود در مجلس اصلاح می شد باز هم در ماهیت ارتجاعی و ایدئولوژیک شوراهای اسلامی و کارکرد ضد کارگری شان بوجود نمی آمد. شوراهای اسلامی را با تغییرات سطحی در قانون آنان نمی شود تشکل کارگری جا زد و بر جای سندیکا نشانند. معیار سنجش تشکل سندیکایی مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار هستند و معیار قانونی بودن و نبودن هر تشکلی همین مقوله نامه می باشند.

از مبارزه کارگران، معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

دست مزد و حقوق کارگران و بازنشستگان باید به موقع و بدون تاخیر پرداخت شود!

قراردادهای موقت و پیمانی در کارهای مستمر باید لغو و امنیت شغلی کارگران با ید با

انعقاد قراردادهای مستقیم تضمین شود!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



دولت رئیسی با چند برابر کردن مالیات کسبه، گران کردن دلار، افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی و خدمات، کاهش حق مسکن کارگران و امتناع از رتبه بندی حقوق معلمان و همسان سازی و افزایش حقوق بازنشستگان با زور و قلدری می خواهد کسری بودجه خود و هزینه های سرسام آور دستگاه های سرکوب و تبلیغاتی حکومت را جبران کند. امری که از توش و توان و تحمل مردم خارج است و نمی توانند در مقابل آن سکوت کنند. تردید نباید داشت که اعتراضات هر روز که بگذرد وسیعتر، عمومی تر، رادیکالتر و مقاومتر خواهد شد.

برگزاری اعتراض سراسری معلمان به رغم همه موانع سرکوبگرانه

اعتراض سراسری معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته در ۲۶ خرداد به رغم همه موانع و تهدیدات و فشارهای نیروهای سرکوبگر و در شرایطی که شمار زیادی از رهبران و فعالین تشکلهای مستقل فرهنگیان در زندان ها تحت فشار شدید قرار داشتند با موفقیت در بسیاری از شهرها و مراکز استانها با شعار معلم زندانی آزاد باید گردد برگزار شد. در تلاشی دیگر در شب و بامداد روز تظاهرات نیروهای سرکوبگر با هجوم به خانه های سازمانگران اعتراض ۲۶ خرداد و بازداشت شمار زیادی از آنان و اشغال محل های از پیش مشخص شده تجمع ها کوشیدند مانع برگزاری اعتراضات شوند که ناکام ماندند.

در جریان اعتراضات نیز ده ها نفر دیگر بازداشت و در بعضی از شهرها ماموران سرکوبگر حکومت مسلح به همه ادوات سرکوب در تعدادی از شهرها به تجمع های مسالمت آمیز و مدنی معلمان یورش بردند و آنان را به طرز وحشیانه ای مورد ضرب و شتم قرار دادند. در تهران محوطه مقابل مجلس برای جلوگیری از انجام تظاهرات توسط ماموران ساعاتی قبل از تجمع اشغال شده بود. این اعمال جنایتکارانه به خشم و تنفر بیشتر معلمان از رژیم تبهکار منجر شد.



برگزاری موفقیت آمیز اعتراض سراسری روز گذشته معلمان به وضوح نشان داد که جنبش حق طلبانه و مدنی معلمان را رژیم نمی تواند با پرونده سازی، زندانی کردن رهبران تشکلهای معلمان و سرکوب و تهدید از میان بردارد و حقوق معلمان را پایمال سازد.

همچنین روشن کرد هر گاه اعتراضات در ابعاد سراسری سازماندهی شود حکومت قادر به جلوگیری کامل از اعتراضات نخواهد بود. تصورش را بکنیم با نظر داشت تجربه امروز و موارد پیشین اگر چند گروه اجتماعی در یک روز معین برای اعتراض به خیابان بیایند، حکومت تا چه حد از سرکوب آنها درمانده خواهد بود.

همه روزه شدن اعتراضات بازنشستگان

اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی که در هفته گذشته به دنبال اعلام افزایش حقوق بازنشستگان تشدید شده بود حالت روزانه به خود گرفت. نیم گام عقب نشینی دولت از مواضع قبلی اش که در اثر اعتراضات بازنشستگان انجام گرفت به جای اینکه به کاهش و پایان گرفتن اعتراض منجر شود به تشدید آن دامن زد.

دولت پس از مدتها امتناع از اعمال مصوبه شورای عالی کار نیم گامی به عقب برداشت و با افزایش حقوق بازنشستگان حداقل بگیر مطابق مصوبه شورای عالی کار موافقت و حاضر شد علاوه بر ۱۰ درصد افزایش مد نظر دولت حقوق بازنشستگانی را که اندکی بیشتر از حداقل حقوق می گیرند را ۶۵۰ هزار تومان افزایش دهد و در مورد سایرین همان ۱۰ درصد را بدهد.

خواست مقدم بازنشستگان در مقطع کنونی افزایش حقوق ها مطابق مصوبه شورای عالی کار در مورد همه بازنشستگان فارغ از سطوح مزدی آنهاست. احتمال تن دادن دولت به این خواسته تنها با ادامه اعتراض در حجم کنونی محتمل است. بهر حال ادامه امتناع دولت به رادیکالیزه شدن شعارها و تظاهرات منجر خواهد شد. کما اینکه در اعتراضات ۱۰ روز گذشته هم شاهد طرح شعارهای تند ضد دولتی در اعتراضات بازنشستگان بودیم.

کاهش حق مسکن کارگران

دولت در این هفته در یک اقدام غیر قانونی دیگر با زیر پا نهادن قوانین موجود حق مسکن کارگران برای سال ۱۴۰۱ را که در شورای عالی کار به تصویب رسیده بود و نماینده دولت هم به آن رای داده بود را از ۶۵۰ هزار تومان به ۵۵۰ هزار تومان کاهش داد. به نظر می رسد دولت از این به بعد دیگر قانون کار خودش را هم هر جا که صد درصد به نفع دولت و کارفرمایان ولی نعمت "دولت عدالتخواه" نباشد یکسره کنار بگذارد و در نقش قانون گذار و هم مجری عمل کند.

کاهش حق مسکن در شرایطی انجام می گیرد که کرایه خانه در طول عمر دولت رئیسی ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده. اما دولت با این وجود حق مسکن را کم کرده است.

انتقال سه تن از رهبران شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به سلول انفرادی

بازجویان و زندانبانان در ۲۵ خرداد پس از ۲۵ روز بازجویی توأم با فشار و تهدید بی نتیجه برای گرفتن اعتراف اجباری به اعمال ناکرده، رسول بدایق، محمد حبیبی و جعفر ابراهیمی سه تن از رهبران اصلی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان را یک روز پیش از برگزاری اعتراضات سراسری معلمان برای فشار بیشتر به انفرادی منتقل کردند.



احتمال داده می شود که یکی از علل انتقال آنان به انفرادی رد درخواست بازجوها برای لغو اعتراضات روز ۲۶ خرداد بوده باشد.

پیوستن بازنشستگان بانکها به اعتراضات

به گزارش خبرگزاری ایلنا کارکنان بازنشسته شده چهار بانک در ۲۵ خرداد با تجمع مقابل مقابل ساختمان بازنشستگی بانکها خواستار رسیدگی و پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. بازنشستگان در هنگام تجمع اعتراضی خواستار تحقق ۱۰ خواسته خود شدند. خواسته های دهگانه آنان همگی رفاهی و معیشتی هستند که به رغم تصویب بخشی از آنها تا کنون عملی نشده اند.

اعتصاب غذای رضا شهبابی در زندان

رضا شهبابی یکی از رهبران زندانی سندیکای واحد که سالهای زیادی را قبلا نیز در زندان گذرانده و از مدتی پیش به دلیل شرکت در یک مراسم دیدار با دو تن از سندیکالیست های فرانسوی به همراه سه تن دیگر از رهبران شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و دو مهمان فرانسوی بازداشت و زندانی شده اند، در اعتراضات به بازداشت و فشار بازجویان برای گرفتن اقرار به اعمال نا کرده اعتصاب غذا کرده است. آقای شهبابی که در هنگام گذراندن محکومیت های گذشته بخشی از سلامتی خود را از دست داده و بیمار است با خطر جدی سلامتی در زندان مواجه است. او قبلا نیز در اثر اعتصاب غذای طولانی سلامتی اش دچار آسیب زیادی شده و سالهاست که با عوارض آن دست به گریبان است. سندیکای کارگران شرکت واحد اخیرا در بیانیه ای که در ارتباط با وضعیت شهبابی منتشر کرد، وضعیت سلامتی وی را بد و خطرناک اعلام و خواهان آزادی وی شده است.

تجمع کارگران تولی پرس مقابل فرمانداری الوند

کارگران شرکت تولی پرس و بسته بندی البرز واقع در شهر الوند که در استان قزوین قرار دارد ۲۶ خرداد در اعتراض به پرداخت نکردن مطالبات مزدی شان طی چند ماه گذشته برای دومین بار طی روزهای اخیر تجمع و خواستار پرداخت آن شدند.

اعتصاب کسبه در چندین شهر

افزایش شدید مالیات کسبه، سقوط ارزش پول ملی و گرانی روز افزون ارزهای خارجی که به کساد و کاهش درآمد کسبه و افزایش هزینه های آنان منجر شده اهل کسب و کار را هم به اعتصاب و راهپیمایی اعتراضی وادار کرد. اعتصاب که از فروشندگان وسایل خانگی در سه راه امین حضور تهران شروع شد به سرعت به چند شهر دیگر سرایت کرد و گسیل ماموران سرکوب به مصادف معترضین و بازداشت ده ها نفر از معترضین نتوانست مانع گسترش اعتصاب شود. بازار تره بار تهران، بازاریان شهرهای اراک، کازرون، میناب، فسا از مکانهای بود که کسبه اعتصاب کردند.

دولت رئیسی با چند برابر کردن مالیات کسبه، گران کردن دلا، افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی و خدمات، کاهش حق مسکن کارگران و امتناع از رتبه بندی حقوق معلمان و همسان سازی و افزایش حقوق بازنشستگان با زور و قلدری می خواهد کسری بودجه خود و هزینه های سرسام آور دستگاه های سرکوب و تبلیغاتی حکومت را جبران کند. امری که از توش و توان و تحمل مردم خارج است و نمی توانند در مقابل آن سکوت کنند. تردید نباید داشت که اعتراضات هر روز که بگذرد وسیعتر، عمومی تر، رادیکالتر و مقاومتر خواهد شد.

اعتصاب در شرکت پیمانکاری پارسا



همکاران شاغل در شرکت پیمانکاری پارسا در فاز ۱۹ کنگان که کارفرمای اصلی آن شرکت بهره‌برداری و تعمیراتی مپنا است دست به اعتصاب زدند.

این اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها صورت گرفته و به گفته همکاران نه تنها هنوز حقوق فروردین ماه را دریافت نکرده بلکه پیمانکار از پرداخت آیم های رفاهی سرباز زده و لیست بیمه آنها را هم رد نکرده است.
شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

همکار گرامی ما " واله زمانی " بازداشت شده است

بر اساس انتشار خبرهایی در شبکه های اجتماعی مطلع شدیم " واله زمانی " یکی از همکاران که سابقه کار در بسیاری از پروژه های فازهای مختلف منطقه پارس جنوبی را دارد، بازداشت شده است.

آنگونه که در خبرها آمده او در نهم خرداد بازداشت و در بیست و چهارم خرداد طی تماس تلفنی از بازداشت خود در شهر ارومیه و زندانی بودن در بند انفرادی 240 خبر داده است.

خانواده وی از ابتلای واله به بیماری خطرناک هیپاتیت گزارش میدهند و نگران جان و سلامت عزیز خود هستند.

به گفته خانواده این همکار، وی بدلیل سالها کار در شرایط سخت، ناامن و غیر بهداشتی در پروژه های عسلویه، به انواع بیماری های ریوی و گوارشی مبتلا بوده و متأسفانه در جریان درمان و مداوا بخاطر آلودگی بیمارستان به هیپاتیت هم مبتلا شده است.

این خبر تا همین جا برای ما کارگران نفت هشدار دهنده است. اول اینکه واله این کارگر حق جو بخاطر حق طلبی اش از کار اخراج میشود. دوم اینکه این کارگر حق جو بخاطر حق جویی هایش زندانی میشود و سوم بلایی که محیط های کار بر سر ما کارگران می آورد و همیشه ما نسبت به آن معترض بوده ایم.

شورای سازماندهی بازداشت " واله زمانی " را بشدت محکوم کرده و خواستار آزادی این همکار حق طلب خود هست و در عین حال تاکید میکنیم که ما کارگران پروژه ای نفت همچنان بر خواسته های برحقمان پای می فشاریم و محیط کار امن و انسانی حق مسلم ماست.

**متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه
!کنیم**

نه به حذف سوبسیدها و افزایش قیمت نان و کالاهای اساسی



گزارش تازه سندیکای واحد از وضعیت عضو رهبری این سندیکا در زندان:
امروز سی ام خرداد ماه خانم نسرین رحیمی همسر کارگر زندانی حسن سعیدی از اعضای
شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد به دادرسی زندان اوین مراجعه کردند
بعد از یک ساعت مامور آمد و اعلام کرد بازپرسی گفته به هیچ وجه با شما ملاقات نخواهم
کرد و اصلا برای چه هر روز این جا میآیید تحقیقات هنوز ادامه دارد و باز هم بیایید همین را
خواهیم گفت



تداوم بازداشت جمعی از فعالین تشکل های صنفی معلمان از روز پنج شنبه ۲۶ خرداد ماه
:انجمن صنفی معلمان گیلان

محمود صدیقی_پور عزیز قاسم_زاده جواد_سعیدی

انوش_عادلی

آقای_نهالی

آقای_لاجوردی

:انجمن صنفی معلمان کردستان_سقز و زیویه

سلیمان_عبدی#خالد_عبداللهی

احمد_قادری



آمانج_امینی

حسام_خاکپورحسن_رحیمیانطاهر_حامدی#زاهد_مرادیاسماعیل_ریحانی

محسن_شکوهی

:انجمن صنفی معلمان کردستان_دیواندره

کاوه_محمدزاده هیوا_قریشی

امیدشاه_محمدی

پرویز_احسنی

:انجمن صنفی معلمان کردستان_سنندج

غیاث_نعمتی

محمد_رضا_مرادی

صلاح_حاجی_میرزایی

بهبزاد_قوامی

محسن_عمرانی#:کانون صنفی معلمان بوشهر

محمود_ملاکی

:انجمن صنفی معلمان فارس

زهرا_اسفندیاری

حسام_الدین_مظلومی

مرتضی_رشیدی مراد_نوشادی

رمضان_ابونصری

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

خرداد ماه ۱۴۰۱ ۲۹



همه با هم برای آزادی معلمان، کارگران و سایر زندانیان سیاسی و مدنی مبارزه کنیم!



پیروز باد جنبش نان کار آزادی
تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش
شنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۱
سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه

پیروز باد مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق و بیمه کارآمد!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می‌توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>